

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
۴ سپتمبر ۲۰۰۹

## شکوه

( ۶ ) در المان :

{ ق }

بعد دعا گفت ، زمان آخر است

قسمت و تقدیر جوان ، کافر است

هر کسی گر پرسشی دارد ز دین

پاسخی از من شنود ، با یقین

وای رجب ، مهر بزرگان نگر

بر همه پیر و جوانان نگر

تازه جوانی ، سخن آغاز کرد

مخزن فهم همه را باز کرد

گفت ! ز من عرض ادب بر شما

پاسخی بر پرسش این بینوا

وای رجب ، فاتحه خوانان نگر

حل معما ، به جوانان نگر

حاجی رجب ، قهقهه خندید و گفت

پرس ، هر آنچه دل زار تو سفت  
تازه جوان گفت ، سؤالم ز دین  
از سر اخلاص ، بگویم چنین  
وای رجب ، فاتحه خوانان نگر  
پیر و جوان گشته هراسان نگر  
فرق ز مؤمن و مسلمان کجاست  
هم ز حکیم ، عالم و عارف چه است  
بنده خموشم که بگیرم جواب  
با دل و جان ، از دهن آن جناب  
وای رجب ، جمله بزرگان نگر  
بهر جوابش همه حیران نگر  
هرکسی یک چیزی بگفت و گذشت  
مشکل آن تازه جوان حل نگشت  
کرد رجب ، بارفقا ، زمزمه  
پاسخی دادش به چنین طنطنه  
وای رجب ، جمله بزرگان نگر  
بهر جوابش همه حیران نگر  
گفت ! شنو، قاری قرآن منم  
حاجی و هم ، شخص مسلمان منم  
من که امامم ، به همه مسلمین  
مؤمنم و ، جمله شما مؤمنین  
وای رجب ، جمله بزرگان نگر  
بهر جوابی ، همه حیران نگر

## شکوه

( ٦ ) در المان :

{ ر }

صوفی و هم شیخ و هم عارف منم  
عالم و ملام و کاشف منم  
بر سرم عمامه ، چین در برم  
تسبیحی بر دست و حکیم هم منم  
وای رجب ، حجت و برهان شنو  
طوطی خوشخوان رجب خان شنو  
**بقیه دارد**